

• دریافت ۱۴۰۰/۰۹/۱۶

• تأیید ۱۴۰۰/۱۱/۰۲

بررسی معانی کاربردی افعال مزید (باب‌های افعال، تفعیل و مفاعله) در نهج البلاغه

علی اوسط خاندانی *

چکیده

نهج‌البلاغه دومین منبع معرفتی در اندیشه اسلامی است. این اثر کهن و فاخر علاوه بر کارکرد ایدئولوژیک که به درون‌مایه‌های آن مربوط می‌شود، به دلیل ارزش بلاغی و زیبایی‌شناختی، کارکرد ادبی نیز دارد. ویژگی اخیر دستاورد مؤلفه‌هایی چند از جمله کاربرد افعال مزید جهت افاده‌ی معانی سازگار با مقتضای حال است که با وجود بسامد فراوان آن در خطبه‌ها، نامه‌ها و پاره‌گفتارهای امام علی (ع) تاکنون از نظر پژوهشی مغفول مانده و تأثیر آن در ساختار سخن مورد بررسی قرار نگرفته است. مقاله پیش‌ارو با عنوان «**بررسی معانی کاربردی افعال مزید (باب‌های افعال، تفعیل و مفاعله) در نهج‌البلاغه**» پژوهشی نظری است که به روش تحلیلی - توصیفی نمونه‌هایی از افعال مزید را با بهره‌گیری از منابع لغوی و شرح‌های نهج‌البلاغه از نظر معانی کاربردی مورد بررسی قرار داده است. داده‌های پژوهش نشان دهنده‌ی آن است که باب‌های افعال و تفعیل نسبت به دیگر ابواب بیشترین کاربرد را در نهج‌البلاغه داشته و کاربرد افعال مزید در هر یک از باب‌ها از جمله باب‌های افعال، تفعیل و مفاعله کاملاً منطبق با مقتضای حال و اهداف خطبه‌ها، نامه‌ها و پاره‌گفتارها بوده است.

واژگان کلیدی: نهج‌البلاغه، معانی کاربردی، افعال مزید، افعال، تفعیل، مفاعله.

مقدمه

بیان مسئله

نهج البلاغه مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه امام علی بن ابی‌طالب است که توسط دانشمند و ادیب شیعی، سید رضی، با رویکرد بلاغی و به صورت گزینشی گردآوری و تدوین گردید و در طلیعه‌ی قرن پنجم هجری به‌عنوان میراثی جاودان، فروتر از قرآن و فراتر از دیگر سخنان در معرض نظر صاحب‌نظران و جویندگان حقائق ناب علوی قرار گرفت. این دایره‌المعارف گران‌بها که نزدیک به تمام آن دست‌آورد دوران خلافت ظاهری وصی رسول خدا (صلوات‌الله علیهما) می‌باشد، آمیزه‌ای از حکمت و بلاغت است. وجه حکمی آن برآمده از محتوی و درون‌مایه‌های این تراش عظیم است که با توجه به مبدأ فاعلی آن یعنی سینه‌ی سینایی امام علی بن ابی‌طالب و شأن صدور یعنی مقتضیات گوناگون آن روزگار و مبدأ قابل‌ی یعنی مخاطبان حضرت، اعم از کارگزاران و دیگر مردمان در زمینه‌های گوناگون اعتقادی، اخلاقی، سیاسی و غیره به جامه‌ی تعبیر و هیأت الفاظ درآمد. وجه بلاغی و ادبی منحصر به فرد آن که محققانی چون ابن‌ابی‌الحدید معتزلی و محمد عبده و دیگران را به حیرت آورده، نتیجه‌ی به‌کارگیری واژگان مناسب اعم از اسم و فعل و حرف، ساختار و ترکیب و اسلوب مناسب، صور خیال و آرایه‌های سرشار از ملاحظت است که به‌عنوان تکنیک‌های ادبی موجب انطباق سخن با مقتضای حال گردیده، از همان آغاز رونمایی در مجامع علمی موضوع کاوش پژوهشگران در ابعاد گوناگون قرار گرفت.

نهج البلاغه همانند دیگر متون و نصوص عربی به‌لحاظ واژگانی، ترکیبی از فعل و اسم و حرف است. لیکن فعل از بسامد قابل توجهی در این کتاب برخوردار می‌باشد. زیرا علاوه بر اینکه در قالب مجرد و در زمان‌ها و صیغه‌های گوناگون استعمال شده است، به‌صورت فراگیر بیش از چهار هزار بار در ابواب مشهور مزید متناسب با مقتضیات و شرائط به‌کار رفته است. بسامد این افعال (ابواب مزید) در نهج البلاغه

زمینه‌ساز پرسش‌های زیر است:

- ۱- فلسفه‌ی وجودی افعال مزید در زبان عربی چیست؟
 - ۲- افعال مزید موجود در نهج‌البلاغه در چه معانی کاربردی به کار رفته است؟
- رسالت این مقاله تبیین فلسفه‌ی وجودی افعال مزید در گستره‌ی زبان عربی و نیز بررسی معانی کاربردی افعال مزید در نهج‌البلاغه است.

پیشینه پژوهش

نهج‌البلاغه در طول بیش از هزار سال که از انتشار آن می‌گذرد، بارها و بارها به صورت مجمل و مفصل با رویکردها و روشهای گوناگون شرح و تفسیر شده است؛ علاوه بر این، بویژه در چند دهه اخیر بسیاری از پژوهشگران با طرح موضوعات گوناگون اعتقادی، اجتماعی، سیاسی و ادبی کتابها و مقالات فراوانی را درباره‌ی نهج‌البلاغه به رشته‌ی نوشته درآوردند. لیکن مطالعات موجود که بیانگر یک استقراء تام است، نشان می‌دهد که موضوع مورد بحث در این مقاله تاکنون ولو با عنوان‌های نزدیک به آن، به کاوش نهاده نشد. شایان ذکر است موضوع این مقاله به قلم علی اوسط خانجانی در **قرآن کریم** مورد بررسی قرار گرفته و در قالب مقاله‌ای با عنوان «**بررسی معانی کاربردی افعال مزید در قرآن مجید**» در مجله زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی (شماره ۱۸ ویژه بهار و تابستان ۱۳۹۷) به چاپ رسید. همچنین مقاله‌ای دیگر با عنوان «**بررسی معانی کاربردی افعال مزید (باب‌های تفاعل، تفاعل، افتعال و استفعال) در نهج‌البلاغه**» به قلم علی اوسط خانجانی از سوی مجله‌ی علمی پژوهشی پژوهش‌های نهج‌البلاغه وابسته به بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه سال ۱۳۹۹ مورد پذیرش قرار گرفته است. علاوه بر این پایان‌نامه‌ای با عنوان «**بررسی معانی کاربردی افعال مزید در صحیفه سجادیه**» به راهنمایی علی اوسط خانجانی، توسط دانشجو فائقه الیاسی در دانشگاه آزاد اسلامی چالوس، در

سال ۱۳۹۹ مورد دفاع قرار گرفت. همچنین می توان مقالات زیر را با تسامح، نزدیک به موضوع این مقاله قلمداد نمود:

- ۱- بررسی ادب لفظ در نهج البلاغه: قاسم رحیمیان، نشریه حسنا، سال دهم، ۱۳۹۷؛
- ۲- بررسی ترکیب اضافی در نهج البلاغه: زهرا معصوم زاده، کوروش زارع زاده، لیلا جمشیدی، کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی سال ۱۳۸۵؛
- ۳- بررسی اسلوب ندا در نهج البلاغه و اغراض فرعی آن: پایان نامه ی ارشد، نگارش مریم ناهیدی فر به راهنمایی دکتر محمود خرسندی، دانشگاه سمنان، سال ۱۳۸۹؛
- ۴- سبک شناسی ادبی نکوهش های امام علی (ع) در نهج البلاغه: حسین کیانی، منیژه زارع، پژوهشنامه علوی، سال ششم بهار و تابستان ۱۳۹۴؛
- ۵- الایقاع فی خطب نهج البلاغه: نصرالله شاملی، جمال طالبی قره قشلاقی، نشریه دراسات فی العلوم الانسانیه، زمستان ۱۳۸۹؛
- ۶- زیبایی شناسی گونه های جناس در نهج البلاغه: شیرین سالم، مهین حاجی زاده، نشریه پژوهشنامه علوی، بهار و تابستان ۱۳۹۱.

ضرورت پژوهش

بدیهی است فصاحت و بلاغت یک متن، حاصل مؤلفه‌هایی چون: واژه (اسم و فعل و حرف)، ساختار و اسلوب مناسب و مطابقت با مقتضای حال است. یکی از موضوعاتی که پیوندی بنیادین با بلاغت دارد و به منزله پیش‌درآمدی برای فهم ارزش بلاغی نهج‌البلاغه محسوب می‌گردد و تاکنون به هر دلیل مغفول مانده‌است، صرف پژوهشی در نهج‌البلاغه از جمله «بررسی معانی کاربردی افعال مزید در نهج‌البلاغه» است. زیرا دلالت افرادی واژگان بویژه فعل، متناسب با مقتضای حال، زمینه را برای دلالت ترکیبی فراهم نموده، به کلام ارزش بلاغی می‌بخشد. نگارنده به دلایل زیر بر ضرورت این پژوهش تأکید دارد:

- ۱- وجود بیش از چهار هزار فعل مزید در نهج البلاغه؛
- ۲- متوقف بودن فهم لطائف نهج البلاغه بر درک معانی کاربردی افعال مزید؛
- ۳- ناآشنائی بیشتر مخاطبان نهج البلاغه با این موضوع به صورت تخصصی؛
- ۴- نپرداختن مفسران نهج البلاغه به معانی کاربردی افعال مزید به صورت صریح و مفصل ضمن تفسیر.

شایان گفتن است تأثیر علمی، فرهنگی و ادبی تبیین این جنبه از آموزه های نهج البلاغه بر اندیشه ی دانشجویان رشته های زبان و ادبیات عربی و علوم قرآن و حدیث، بر ضرورت این پژوهش می افزاید.

کارکرد افعال مزید در تحول و توسعه قلمرو معنایی افعال

فعل رکن اصلی و بنیادین هر زبان به شمار می آید. این عنصر زبانی در پیکره ی زبان عربی کارکرد فراوانی دارد با قرار گرفتن آن در صدر کلام نوعی جمله، یعنی «جمله فعلیه»، شکل می گیرد. این نوع جمله همچنین می تواند به عنوان خبر در جمله اسمیه نقش آفرینی نماید. تصریف در زمان های ماضی، مضارع و امر اعم از حاضر و غائب، معلوم و مجهول، لازم و متعدی و نیز کسب معانی جدید در اثر مجاورت با حروف معانی از مزایای فعل است. یکی از ویژگی ها و قابلیت های فعل، توسعه قلمرو معنایی آن از طریق انتقال از مجرد به ابواب مزید است. البته بحث تفصیلی در این باره فراتر از گنجایی مقاله بوده و در جای خود (در کتب صرف) به طور مستوفی مورد بررسی قرار گرفته است؛ از جمله می توان به کتاب «شرح شافیه ابن حاجب» اثر رضی الدین محمد بن حسن استرآبادی، «علوم العربیه» اثر سید هاشم حسینی تهرانی و کتاب جامع المقدمات به تصحیح مدرس افغانی اشاره نمود. مصطفی غلایینی در «جامع الدروس العربیه» و محمد محیی الدین عبدالحمید با عنوان «تکلمه فی تصریف الافعال» در پایان شرح ابن عقیل و نیز رشید الشرتونی در جلد چهارم مبادی العربیه به

طور مختصر به معانی افعال مزید پرداخته‌اند. اکنون به اقتضای مقام تنها فلسفه زبانی یعنی چرایی وجود این ابواب بطور مختصر مورد بازکاوی قرار می‌گیرد تا زمینه‌ای مناسب برای ورود به بخش تخصصی مقاله فراهم گردد. در این باره می‌توان به اصل کلی و مبنایی «کثره المبانی تَدُلُّ علی کثره المعانی» استناد نمود. زیرا هر فعل مزید لاجرم از فعل ثلاثی یا رباعی مجرد نشأت می‌گیرد و هر فعل مجرد به‌عنوان یک واژه مستعمل دارای یک یا دو یا سه معنی است که برخی از زبان‌شناسان مانند ابن فارس در مقایسه‌ی اللغة تحت عنوان «اصل» از آن یاد نموده‌اند؛ بنابراین انتقال فعل از مجرد به مزید مفید معنی یا معانی جدید خواهد بود؛ به طوری که در برخی از باب‌ها متناسب با مقتضای حال، تا قریب به بیست معنای جدید توسعه می‌یابد.

گاه این تحول به صورت تضاد نیز اتفاق می‌افتد؛ بدین معنی که فعلی در اثر انتقال از مجرد به مزید در ضد معنای مجرد خود به کار می‌رود. زرکشی در مورد اینکه «قَسَطًا» که در ثلاثی مجرد به دو معنای «به عدل رفتار کرد» و «ظلم نمود» به کار می‌رود و هنگامی که به باب افعال می‌رود تنها به معنای «به عدل رفتار کرد» استعمال می‌شود، چنین اظهار نظر کرده است: «أَنْظُرَ كَيْفَ تَحَوَّلَ الْمَعْنَى بِالتَّصْرِيفِ مِنَ الْجَوْرِ إِلَى الْعَدْلِ» (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱/۴۰۲).

قرآن پژوه معاصر محمد هادی معرفت در این باره می‌نویسد: «... و علیه فَكُلُّ تصریف فی الكلمه أو تغییر فی حرکتها فانما هو للدلاله علی مَعْنَى جدید لم یکن فیما قبل فَمِثْل «ضَرَّ» و «أَضَرَّ» لِأَنَّ يَخْتَلِفُ معنهما كما هو كذلك فالأول للدلاله علی ایقاع الضَّرِّ به سواء قصده أم لم يقصده و الثاني ایقاعه عن عمد و قصد» (معرفت، ۱۳۸۶: ۵/۴۶)؛ یعنی: «بنابراین هر تغییر در ساختار واژه و هر دگرگونی در حرکت آن موجب ایجاد معنایی جدید غیر از معنای پیشین می‌گردد؛ مانند: «ضَرَّ» و «أَضَرَّ» که اختلاف معنا در آنها امری اجتناب‌ناپذیر است. «ضَرَّ» بر ایقاع ضرر دلالت دارد؛ اعم از اینکه از روی قصد باشد یا از روی قصد نباشد. ولی «أَضَرَّ» بیانگر ایقاع ضرر با قصد قبلی است». زمخشری نیز به‌عنوان

یک مفسر صاحب‌نظر در مقولهٔ ادب عرب در تفسیر کلامی ادبی «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل» با استشهاد به عبارت مبنائی «انَّ الزیاده فی البناء لزیاده المعانی» بر درستی این مطلب پای می‌فشارد (زمخشری، ۱۳۶۹: ۶/۱).

تحلیل شواهد و مصادیق افعال مزید (باب های افعال ، تفعیل و مفاعله) در نهج البلاغه

بیشتر اشاره شد که بیش از چهار هزار فعل در نهج البلاغه وجود دارد که در ابواب، زمان‌ها و صیغه‌های گوناگون به کار رفته است. این رقم به لحاظ بسامد، رقمی معنی‌به است. قریب به اتفاق این افعال نیز از ابواب ثلاثی مزید بوده و تنها سی و اندی از افعال احصاء شده از ابواب رباعی مزید است. سهم هر یک از ابواب ثلاثی مزید به شرح زیر است: باب افعال ۱۷۸۲ صیغه، باب تفعیل ۸۰۹ صیغه، باب مفاعله ۳۵۱ صیغه، باب تفاعل ۳۴۰ صیغه، باب تفاعل ۱۵۲ صیغه، باب افتعال ۷۴۹ صیغه، باب انفعال ۱۰۴ صیغه، باب استفعال ۴۰۳ صیغه، باب افعال ۱۲ صیغه، باب افعیال ۶ صیغه و باب افعال ۵ صیغه. شایان گفتن است به دلیل محدودیت گنجائی مقاله:

اولاً) از آنجا که مخاطبان چنین مقالاتی واجد اهلیت لازم علمی هستند، از ذکر مثال پیرامون معنای اولی، ذاتی و مشهور هر باب احتراز شده است و مثال‌ها به معانی غیرمشهور اختصاص یافته تا مقاله هرچه بیشتر مفید فائده باشد.

ثانیاً) حداکثر پنج فعل از هر باب به بحث نهاده شده، زیرا بررسی همه افعال مزید موجود در نهج البلاغه مقتضی کتابی مستقل است.

ثالثاً) در تحلیل شواهد، نخست فعل مورد نظر از لحاظ ساختار صرفی و معنای کاربردی از منظر زبان‌شناسان به بحث گذاشته می‌شود، سپس دیدگاه شارحان نهج البلاغه در زمینه معنای کاربردی فعل مورد بحث، جستجو می‌گردد.

شواهد باب افعال و معانی کاربردی آن در نهج البلاغه

این باب در نهج البلاغه بیشترین کاربرد را داشته، غالباً در معنای ذاتی و اولی خود یعنی تعدیه فعل لازم به کار رفته است؛ لیکن به اقتضاء مقام گاه در معانی دیگر از جمله «وجدان الصغه، واجدیت، سلب، دخول فاعل در زمان، مکان یا عدد، ضد معانی ثلاثی مجرد، رسیدن وقت و ... به کار رفته است.» ذیلاً پنج نمونه از معانی غیر مشهور باب افعال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

(۱) وجدان الصغه: «فَاحْذَرْ يَوْمًا يَغْتَبِطُ (يُغْتَبِطُ) فِيهِ مَنَ أَحْمَدَ عَاقِبَهُ عَمَلِهِ» (نامه / ۴۸)

ترجمه: «پس، از روزی بپرهیز که در آن کسی خشنود است که فرجام کارش را ستوده یافت» و شاهد در عبارت فوق فعل «أَحْمَدَ» صیغه‌ی اول ماضی از باب افعال و از ریشه‌ی «ح، م، د» است. ابن فارس در مقاییس اللغه، «حَمَد» را ضد دَم و «أَحْمَدْتُ فَلَانًا» را به معنای «وَجَدْتُهُ مَحْمُودًا» قلمداد نموده است (ابن فارس، ۲۰۰۸: ۳۱۶/۱). دیگر زبان‌شناسان از جمله خلیل بن احمد در کتاب العین (فراهیدی، ۱۹۷۵: ۱۲۶/۲)، صاحب بن عبّاد در المحيط فی اللغه (عبّاد، ۱۴۱۴: ۴۷/۳)، ابن‌دُرَید در جَمَهْرَه اللغه (ابن‌دُرَید، ۱۹۸۸: ۵۰۵/۱) زمخشری در اساس البلاغه (زمخشری، ۱۴۰۲: ۹۴)، ازهری در تهذیب اللغه (ازهری، ۱۴۲۱: ۲۱۶/۲)، ابن‌منظور در لسان‌العرب (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ۳۲۵/۳)، جوهری در الصحاح تاج‌اللغه (جوهری، ۱۳۷۶: ۴۶۷/۲)، ابراهیم انیس در المعجم الوسیط (انیس، ۱۳۸۰: ۱۹۶/۱)، ابن‌سیده در المحکم و المحيط (ابن‌سیده، ۱۴۲۱: ۲۶۶/۳)، حمیری در شمس‌العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم (حمیری، ۱۴۲۰: ۱۵۶۹/۳)، زبیدی در تاج‌العروس (زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۲۸/۵) و خوری الشرطونی در اقرب‌الموارد (خوری الشرطونی، ۱۴۱۶: ۲۲۸/۱) نیز در مورد فعل مورد بحث، دیدگاه ابن‌فارس را دارند.

شارحان نهج البلاغه از جمله شوشتری (تستری) در بهج الصباغه (التستری، ۱۳۷۶: ۵۸۹/۷)، شرقی در قاموس نهج البلاغه (الشرقی، ۱۳۶۳: ۴۵۱/۱)، حسینی شیرازی در توضیح نهج البلاغه (حسینی، بی تا: ۱۳۰/۴)، یحیی بن ابراهیم در ارشاد المؤمنین إلى معرفه نهج البلاغه المبين (الجحّاف، ۱۴۲۲: ۸۵/۱)، انصاریان در المقتطف من بحار الانوار (انصاریان، ۱۴۰۸: ۲۲۰/۳)، میلانی در شرح نهج البلاغه (میلانی، ۱۳۸۷: ۶۵۶)، امامی در شرح نهج البلاغه (امامی و آشتیانی، ۱۳۷۵: ۳/۶۰۹) و نیز عبده در شرح نهج البلاغه (عبده، ۱۴۱۳: ۵۶۷/۳) به پیروی از زبان شناسان «أَحْمَدَ عَاقِبَهُ عَمَلُهُ» را به معنای «وَجَدَهَا حَمِيداً» تلقی نموده‌اند. با دقت در دیدگاه زبان شناسان که فعل «أَحْمَدَ» را در باب افعال معادل «وَجَدَهُ محموداً» دانسته‌اند و نیز نظر شارحان نهج البلاغه، دریافت می‌شود که آنان ماده‌ی «ح، م، د» را در باب افعال از نظر کاربردی مفید معنای «وجدان الصفة» یعنی: «یافتن مفعول به بر صفتی منتزع از ماده‌ی فعل»، محسوب داشته‌اند. همانگونه که در عبارت مورد بحث مفهوم «ستوده» برگرفته از ماده فعل «أحمد» بوده و از نظر کاربردی مفید معنای «وجدان الصفة» می‌باشد.

۲) سلب: «... فَاَللّٰهُ اَنْ تَشْكُوْا اِلَى مَنْ لَا يُشْكِي سَجُوْكُمْ» (خطبه/۱۰۵)

ترجمه: «خدا را خدا را! شکایت به نزد کسی نبرید که اندوهتان نزداید».

شاهد در عبارت مذکور فعل «لَا يُشْكِي» صیغه‌ی اول مضارع منفی از باب افعال و از ریشه‌ی «ش، ک، و» است. ابن فارس ماده‌ی یاد شده را در باب افعال از اضداد دانسته، معتقد است «أشکائی» هم به معنای «أَعْتَبَنِي مِنْ شَكْوَايَ» و نیز «إِذَا فَعَلَ بِكَ مَا يُحَوِّجُكَ إِلَى شَكَايَتِهِ» است (ابن فارس، ۲۰۰۸: ۶۲۲/۱)؛ حال اگر کارکرد دوم را با توجه به مقتضای حال خطبه یاد شده ملاک قرار دهیم، فعل یاد شده از نظر کاربردی مفید معنای «سلب» است. زمخشری نیز در اساس البلاغه با عبارت «شكوتُ اليه فلاناً فأشكائي منه أي أخذ لي منه ما أَرْضائي»، به معنای دوم گرایش

دارد (زمخشری، ۱۴۰۲: ۲۴۰). ابن منظور همانند ابن فارس، ماده‌ی یاد شده را در باب افعال از اضداد دانسته و برای معنای «سلب» حدیث زیر را نقل نموده است: «شَكُونَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) حَزَّ الرَّمِضَاءُ فَلَمْ يُشْكِنَا»؛ جهت تأخیر نماز ظهر به دلیل شدت گرما نزد پیامبر شکایت کردیم ولی وی پاسخ موافق نداد و شکایت ما را برطرف نکرد (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ۱۸۰/۷). صاحب بن عبّاد در المحيط فی اللغه (عباد، ۱۴۱۴: ۲۸۹/۶)، جوهری در الصحاح تاج اللغه (جوهری، ۱۳۷۶: ۲۳۹۴/۶)، زبیدی در تاج العروس (زبیدی، ۱۴۱۴: ۵۸۱/۱۹) و نیز ابراهیم انیس فعل «أشکی» را به معنای «أرضاه و أزال سَبَبَ شَكْوَاهُ» مفید معنای «سلب» قلمداد نموده‌اند (ابراهیم انیس، ۱۳۸۰: ۴۹۲/۱). راغب اصفهانی در مفردات «أشکی» را به معنای «أزال شکایتته» گرفته و مفید معنای «سلب» دانسته است (الاصفهانی، ۱۴۰۸: ۶۳). خوری الشرطونی نیز در اقرب الموارد فعل «أشکی» را از اضداد دانسته، یکی از دو معنا را «سلب» قلمداد نموده است (الخوری، ۱۴۱۶: ۶۰۷/۱).

شارحان نهج البلاغه از جمله ابن ابی‌الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۶۷: ۱۶۸/۷)، علامه میرزا حبیب خوئی در منهاج البراعه (خوئی، ۱۴۰۳: ۲۴۶/۷)، کندری بیهقی در حدائق الحقائق (الکندری، ۱۴۱۶: ۵۱۱/۱)، نقوی در مفتاح السعاده (النقوی، ۱۳۸۴: ۴۰۱/۸)، انصاریان در المقتطف (انصاریان، ۱۴۰۸: ۴۸۵/۱)، شرقی در قاموس نهج البلاغه (شرقی، ۱۳۶۳: ۴۸۹/۲)، یحیی بن ابراهیم در ارشاد المؤمنین (الجحّاف، ۱۴۲۲: ۷۷/۲)، سید جعفر الحسینی در شرح نهج البلاغه (الحسینی، ۱۳۸۹: ۱۵۵)، منتظری در درس‌هایی از نهج البلاغه (منتظری، ۱۳۹۵: ۴۹۳/۴) فعل «لایشکی» را در عبارت مذکور به معنای «لا یُزیل شکواکم» قلمداد نموده‌اند. با دقت در دیدگاه زبان‌شناسان و نیز شارحان نهج البلاغه بویژه بالحاظ مقتضای حال خطبه ۱۰۵ استنباط می‌شود که فعل یاد شده از نظر کاربردی مفید معنای «سلب» یعنی: «نفی مادّه فعل از کسی یا چیزی» است.

۳) تعریض: «... قد أَشْرَطَ نَفْسَهُ» (خطبه/۳۲)

ترجمه: «به یقین خود را برای فتنه آماده کرد».

شاهد در عبارت یاد شده فعل «أَشْرَطَ» صیغه نخست ماضی از باب افعال و از ریشه‌ی «ش، ر، ط» است. ابن فارس فعل «أَشْرَطَ» را با مثال «أَشْرَطَ مِنْ إِبِلِهِ وَ غَنَمِهِ إِذَا أَعَدَّ مِنْهَا شَيْئاً لِلْبَيْعِ» از نظر کاربردی مفید معنای «تعریض» یعنی: «قرار دادن مفعول در معرض فعل» دانسته است (ابن فارس، ۲۰۰۸: ۶۴۷/۱). ابن منظور نیز «أَشْرَطَ فَلَانٌ نَفْسَهُ لَكَذَا وَ كَذَا» را به معنای «أَعْلَمَهَا وَ أَعَدَّهَا» مفید «تعریض» قلمداد نموده است. وی با نقل عبارت «أَشْرَطْتُ فَلَاناً لِعَمَلِ كَذَا أَيْ يَسَّرْتَهُ» از ابو عمرو بر این معنی تأکید نموده است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۸۳/۷). این کارکرد فعل «أَشْرَطَ» را می‌توان در شعر اوس بن حجر در توصیف اسب ملاحظه نمود:

فَأَشْرَطَ فِيهَا نَفْسَهُ وَ هُوَ مُعَصِّمٌ وَ أَلْقَى بِأَسْبَابٍ لَهُ وَ تَوَكَّلَا

(المازنی التمیمی، ۱۴۰۰: ۷۳)

زمخشری نیز با مثال: «أَشْرَطَ نَفْسَهُ وَ مَالَهُ فِي هَذَا الْأَمْرِ إِذَا قَدَّمَهَا» و استناد به بیت یاد شده از اوس بن حجر فعل مورد بحث را مفید معنای «تعریض» دانسته است (زمخشری، ۱۴۰۲: ۲۳۳). دیگر زبان‌شناسان از جمله ازهری در تهذیب اللغه (ازهری، ۱۴۲۱: ۲۱۲/۱۱)، جوهری در الصحاح تاج اللغه (جوهری، ۱۳۷۶: ۱۱۳۶/۳۰)، خلیل بن احمد در کتاب العین (فراهیدی، ۱۹۷۵: ۲۳۵/۶)، زبیدی در تاج العروس (زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۰۶/۱۰)، زمخشری در مقدمه الادب (زمخشری، ۱۳۸۶: ۱۹۶)، فیروزآبادی در القاموس المحيط (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۵۶۰/۲)، خوری الشرتونی در اقرب الموارد (خوری، ۱۴۱۶: ۵۸۳/۱)، ابن سیده در المحکم و المحيط (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۱۳/۸) فعل «أَشْرَطَ» را همانند ابن فارس مفید معنای تعریض برشمرده‌اند.

از میان شارحان نهج البلاغه کندی بیهقی در حدائق الحقائق (الکندی، ۱۴۱۶: ۲۵۵/۱)، نقوی در مفتاح السعاده (نقوی، ۱۳۸۴: ۲۹۰/۴)، ابن ابی‌الحدید در شرح

نهج البلاغه (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۷: ۱۷۶/۲)، خوبی در منهاج البراعه (خویی، ۱۴۰۳: ۵۴/۴)، شرقی در قاموس نهج البلاغه (شرقی، ۱۳۶۳: ۴۵۴/۲)، یحیی بن ابراهیم در ارشاد المؤمنین (الجحّاف، ۱۴۲۲: ۴۸۵/۱)، ابن میثم در شرح نهج البلاغه (بحرانی، ۱۳۷۹: ۶۴/۲)، میلانی در شرح نهج البلاغه (میلانی، ۱۳۸۷: ۱۳۱)، عبده در شرح نهج البلاغه (عبده، ۱۴۱۳: ۱۰۰/۱)، حسینی شیرازی در توضیح نهج البلاغه (حسینی، بی تا: ۱۷۰/۱)، منتظری در درس‌هایی از نهج البلاغه (منتظری، ۱۳۹۵: ۵۰۳/۲)، سید جعفر حسینی در شرح نهج البلاغه (الحسینی، ۱۳۸۹: ۵۸) همگی فعل «أشْرط نفسه» را به معنای «هَيَّأَهَا وَاَعَدَّهَا لِلشَّرِّ وِ الْفَسَادِ فِي الْاَرْضِ» دانسته‌اند. با دقت در دیدگاه زبان‌شناسان و شارحان درباره فعل مورد بحث استنباط می‌شود فعل «اشرط» از نظر کاربردی مفید معنای «تعریض» است.

۴) معادل ثلاثی مجرد: «مَنْ أَكْثَرَ أَهْجَرَ» (نامه ۳۱)

ترجمه: «هر کس زیاده‌گویی کند، یاوه‌گویی کند».

شاهد در گزاره ی فوق فعل «أَهْجَرَ» صیغه اول ماضی از باب افعال و از ریشه‌ی «ه، ج، ر» است. ابن فارس «هَجَرَ» بر وزن فَعَلَ را ضد وصل و «هَجَرَ» بر وزن فَعَلَ را به معنای هذیان گرفته است. سپس «أَهْجَرَ الرَّجُلُ فِي مَنْطِقِهِ» را هم معنای «هَجَرَ الرَّجُلُ» قلمداد نموده است (ابن فارس، ۲۰۰۸: ۶۰۰/۲). دیگر لغویان از جمله خلیل بن احمد در کتاب العین (فراهیدی، ۱۹۷۵: ۳۸۷/۳)، ابن درید در جمهرة اللغة (ابن درید، ۱۹۸۸: ۱۲۶۳/۳)، ازهری در تهذیب اللغة (ازهری، ۱۴۲۱: ۲۹/۶)، زمخشری در اساس البلاغه (زمخشری، ۱۴۰۲: ۶۹۵/۱)، زبیدی در تاج العروس (زبیدی، ۱۴۱۴: ۶۰۸/۷)، ابن منظور در لسان العرب (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۲۵۳/۵)، ابن سیده در المحکم و المحيط الاعظم (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۱۵۶/۴)، «أَهْجَرَ» را در باب افعال هم معنای «هَجَرَ» در ثلاثی مجرد دانسته‌اند. شایان ذکر است راغب

اصفهانى در مفردات «أَهْجَرَ» را هم معنای «هَجَرَ» دانسته با این تفاوت که «أَهْجَرَ» را هذیان‌گویی از روی اراده و «هَجَرَ» را هذیان‌گویی بدون اراده تلقی نموده است (الاصفهانى، ۱۴۰۸: ۵۶۲). البته این دیدگاه با کریمه ۶۷ از سوره مؤمنون «مُسْتَكْبِرِينَ بِهٖ سَامِرًا تَهْجُرُونَ» و نیز عبارت «فَهَجَرَ لِأَخِي» از نامه هفتم نهج البلاغه نقض می‌شود. زیرا مستکبران در سوره مؤمنان و نیز معاویه در نامه یاد شده در هذیان‌گویی فاقد اراده نیستند.

شارحان نهج البلاغه از جمله شوشتری در بهج الصباغه (التستری، ۱۳۷۶: ۳۰۶/۸)، حسینی شیرازی در توضیح نهج البلاغه (حسینی، بی‌تا: ۷۱/۴)، علی محمد دخیل در شرح نهج البلاغه (دخیل، ۱۳۶۷: ۶۲/۲۸)، ابن میثم در شرح نهج البلاغه (بحرانی، ۱۳۷۹: ۱۲۳/۵)، قرشی بنابی در مفردات نهج البلاغه (قرشی، ۱۳۷۷: ۱۰۸۷/۲) «أَهْجَرَ» را مترادف «هَدَى» (هذیان گفت) دانسته و به طور غیر صریح از نظر کاربردی آن را معادل «ثلاثی مجرد» قلمداد نموده اند. حال باتوجه به دیدگاه زبان‌شناسان و شارحان نهج البلاغه می‌توان گفت ماده «ه، ج، ر» در باب افعال مفید همان «معنای ثلاثی مجرد» است؛ بدین خاطر در گزاره‌ی مورد بحث به فاعل اکتفاء نموده است.

۵) دخول در وقت: «المؤمن لا یصبح و لا یمسی إلا و نفسه ظنون عنده» (خطبه / ۱۷۶)

ترجمه: «مؤمن شب را به روز و روز را به شب نمی‌آورد مگر آنکه به نفس خویش بدگمان است».

شاهد در عبارت یاد شده دو فعل «لا یصبح» صیغه اول ماضی از باب افعال و از ریشه «ص، ب، ح» و «لا یمسی» صیغه اول ماضی از باب افعال و از ریشه «م، س، ی» است. فعل‌های یاد شده اغلب از افعال ناقصه محسوب گشته، اسم و خبر می‌خواهند و در آن صورت مشمول موضوع این مقاله نمی‌شوند. لکن گاه به عنوان

فعل تامّ به کار می‌روند که در این صورت ثلاثی مزید و از باب افعال بوده، معنای کاربردی آنها «دخول در وقت» است کما اینکه در آیه (فَسَبِّحْ لِلَّهِ حِينَ تُسْئَلُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ) (روم/۱۷) این معنی مندرج است. لغویان از جمله خلیل بن احمد در کتاب العین (فراهیدی، ۱۹۷۵: ۱۲۶/۳)، صاحب بن عباد در المحيط فی اللغة (عباد، ۱۴۱۴: ۴۶۸/۲)، ازهری در تهذیب اللغة (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۵۷/۴)، جوهری در الصحاح تاج اللغة (جوهری، ۱۳۷۶: ۳۸۰/۱)، ابن سیده در المحکم و المحيط الاعظم (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۱۶۸/۳)، زبیدی در تاج العروس (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۱۰/۴)، ابن منظور در لسان العرب (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۲۷۱/۷)، زمخشری در الفائق فی غریب الحدیث (زمخشری، ۱۴۱۷: ۲۲۹/۲)، وحمیری در شمس العلوم (حمیری، ۱۴۲۰: ۴/۶) «أَصْبَحَ الْقَوْمُ وَأَمَسُوا» را به معنای «دَخَلُوا فِي الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ» قلمداد نموده‌اند. شایان ذکر است شارحان و مترجمان نهج البلاغه بی‌آنکه مستقیماً به معنای کاربردی افعال مورد بحث اشاره‌ای داشته باشند، عملاً معنای مورد نظر یعنی «دخول در وقت» را در شرح و ترجمه لحاظ نموده‌اند.

شواهد باب تفعیل و معانی کاربردی آن در نهج البلاغه

از نظر آماری پس از باب افعال، باب تفعیل بیشترین کاربرد را در نهج البلاغه دارد. معنای ذاتی و غالبی این باب از نظر دانشمندان علم صرف تعدیه فعل لازم است. لیکن گاهی مفید معنای «تکثیر، مبالغه، تدریج، نسبت، ضد معنای باب افعال و ...» است. اکنون پنج نمونه از این باب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱) معادل ثلاثی مجرد: «و قد طَفَّلَتِ الشَّمْسُ لِلآيَاتِ» (نامه / ۳۶)

ترجمه: «در حالیکه خورشید نزدیک غروب بود».

شاهد در عبارت فوق الذکر فعل «طَفَّلَتِ» صیغه‌ی چهارم ماضی از باب تفعیل و از ریشه‌ی «ط، ف، ل» است. ابن منظور «طَفَّلَتِ الشَّمْسُ تَطْفُلُ طُفُولاً وَ طَفَّلَتْ تَطْفِئاً»

را به معنای «هَمَّت بِالْوَجُوبِ وَدَنَّت لِلْغُرُوبِ» و از نظر کاربردی مفید «معنای ثلاثی مجرد» دانسته است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۷۵/۸). حمیری در شمس العلوم (حمیری، ۱۴۲۰: ۱۴۲۶/۷)، صاحب بن عباد در المحيط فی اللغة (عبّاد، ۱۴۱۴: ۱۷۸/۹)، جوهری در الصحاح تاج اللغة (جوهری، ۱۳۷۶: ۱۷۵۱/۵)، زبیدی در تاج العروس (زبیدی، ۱۴۱۴: ۴۳۵/۱۵)، ابن درید در جمهره اللغة (ابن درید، ۱۹۸۸: ۹۲۰/۲)، ابن سیده در المحکم و المحيط (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۱۷۴/۹)، زمحشری در اساس البلاغه (زمحشری ۱۴۰۲: ۳۹۲)، ابراهیم انیس در المعجم الوسیط (ابراهیم انیس، ۱۳۸۰: ۵۵۹/۲) نیز همانند ابن منظور «طَقَلْتُ» را معادل «طَقَلْتُ» یعنی مفید معنای ثلاثی مجرد قلمداد نموده‌اند.

شارحان نهج البلاغه از جمله ابن میثم بحرانی در شرح نهج البلاغه (بحرانی، ۱۳۸۱: ۷۸/۵)، خوبی در منهاج البراعه (خوئی، ۱۴۲۴: ۵۴/۲۰)، مغنیه در فی ظلال نهج البلاغه (مغنیه، ۱۴۱۲: ۲۷۲/۵)، شوشتری در بهج الصباغه (التستری، ۱۳۷۶: ۲۱۵/۶)، یحیی بن ابراهیم در ارشاد المؤمنین (الجحّاف، ۱۴۲۲: ۱۵۳/۴)، شرقی در قاموس نهج البلاغه (شرقی، ۱۳۶۳: ۱۶۳/۵)، میلانی در شرح نهج البلاغه (میلانی، ۱۳۸۷: ۳۲۵) به پیروی از زبان‌شناسان فعل «طَقَلْتُ» را معادل «طَقَلْتُ» دانسته‌اند. حاصل بحث درباره فعل یاد شده آن است که ماده «ط، ف، ل» در باب تفعیل مفید «معنای ثلاثی مجرد» است. از این رو فعل «طَقَلْتُ» در نامه ۳۶ نهج البلاغه بدون مفعول به آمده است.

۲) تکثیر و مبالغه: «... فَقَطَّعُوا عَلَائِقَ الدُّنْيَا» (خطبه / ۲۰۴)

ترجمه: «پس با همه ی وجود رشته های وابستگی به دنیا را پاره کنید».

شاهد در گزاره‌ی مذکور فعل «قَطَّعُوا» صیغه سوم امر حاضر از باب تفعیل و از ریشه‌ی «ق، ط، ع» است. ابن منظور ذیل فعل مورد بحث با استناد به کریمه‌ی

(وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ) (یوسف / ۳۱) و تحلیل آن به «قَطَّعْنَ قِطْعًا بَعْدَ قَطْعٍ» فعل یاد شده را از نظر کاربردی مفید معنای «تکثیر» دانسته است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۲۲۱/۱۱). صاحب بن عبّاد علاوه بر معنای «تکثیر» معنای «مبالغه» را نیز برای «قَطَّعَ» لحاظ نموده است (عبّاد، ۱۴۱۴: ۴۳۳/۱۰). ابراهیم انیس در المعجم الوسیط فعل مورد بحث را از نظر کاربردی مفید معنای «مبالغه» برشمرده است (انیس، ۱۳۸۰: ۷۴۵/۲). شایان ذکر است میان دو معنای «تکثیر» و «مبالغه» تعارضی وجود نداشته، قابل جمعند. دیگر زبان‌شناسان از جمله خلیل بن احمد در کتاب العین (فراهیدی، ۱۹۷۵: ۲۵۹/۷)، ابن درید در جمهره اللغه (ابن درید، ۱۹۸۸: ۳۲۲/۵)، ازهری در تهذیب اللغه (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۳۶/۸)، معنای «تکثیر» را برای فعل «قَطَّعَ» در نظر گرفته‌اند. از میان شارحان نهج البلاغه یحیی بن ابراهیم در ارشاد المؤمنین (الجحاف، ۱۴۲۲: ۳۵۶/۴)، مغنیه در فی ظلال نهج البلاغه (مغنیه، ۱۴۱۲: ۳۰۲/۴)، حسینی شیرازی در توضیح نهج البلاغه (حسینی، بی تا: ۲۱۸/۶)، منتظری در درس‌هایی از نهج البلاغه (منتظری، ۱۳۹۵: ۷۱۳/۱۰) فعل «قَطَّعَ» را مفید معنای «تکثیر و مبالغه» دانسته‌اند. بنابراین در گزاره‌ی مورد بحث نیز براساس قاعده «الجمع مهمما ممکن اولی من الترك» می‌توان میان دو معنای «تکثیر» و «مبالغه» جمع نمود.

۳) نسبت: «.... فَلِمَ تُضَلِّلُونَ عَامَّةَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ» (خطبه/۱۲۷)

ترجمه: «پس چرا همه ی امت محمد (ص) را گمراه می‌شمردید.»

شاهد در عبارت فوق فعل «تَضَلَّلُونَ»، صیغه نهم مضارع از باب تفعیل و از ریشه‌ی «ض، ل، ل» است. ابن فارس در این باره سخن خاصی ندارد. ابن منظور «ضَلَّ» را به معنای «ضاع» و «تَضَلَّلَ الرَّجُلُ» را به معنای «أَنْ تَنْسِبَهُ إِلَى الضَّلَالِ» گرفته و از نظر معنای کاربردی آن را مفید «نسبت» دانسته است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۸۱/۸). دیگر زبان‌شناسان نیز از جمله صاحب بن عبّاد در المحيط فی اللغه (عبّاد،

۱۴۱۴: ۲۵۳/۷)، زمخشری در مقدمه الادب (زمخشری، ۱۴۱۳: ۳۹۲)، ازهری در تهذیب اللغه (ازهری، ۱۴۲۱: ۲۳۲/۵)، جوهری در الصحاح تاج اللغه (جوهری، ۱۳۷۶: ۳۲۰/۴)، ابراهیم انیس در المعجم الوسیط (انیس، ۱۳۸۰: ۵۴۲/۱) فعل یاد شده را از نظر کاربردی مفید معنای «نسبت» یعنی «نسبت دادن ماده فعل به مفعول» قلمداد نموده‌اند.

شارحان نهج البلاغه از جمله ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۷: ۱۹۵/۱۰)، مغنیه در فی ظلال نهج البلاغه (مغنیه، ۱۴۱۲: ۴۵/۲۸۳)، تقوی در مفتاح السعاده (التقوی، ۱۳۸۴: ۱۹۳/۱۲)، منتظری در درس‌هایی از نهج البلاغه (منتظری، ۱۳۹۵: ۶۰۹/۵)، یحیی ابن ابراهیم در ارشاد المؤمنین (الجحّاف، ۱۴۲۳: ۹۶/۴)، سید جعفر الحسینی در شرح نهج البلاغه (الحسینی، ۱۳۸۹: ۲۱۵)، خوبی در منهاج البراعه (خوبی، ۱۴۰۳: ۲۳۱/۹) فعل مورد بحث را مفید معنای «نسبت» دانسته‌اند.

۴) ضد باب افعال: «وَمَنْ حَلَمَ لَمْ يُفَرِّطْ فِي أَمْرِهِ» (حکمت/۳۱)

ترجمه: «و هرکس بردباری پیشه کند، در کار خود کوتاهی نکند».

شاهد در گزاره ی فوق فعل «لَمْ يُفَرِّطْ»، صیغه نخست مضارع مجزوم از باب تفعیل و از ریشه «ف، ر، ط» است. ابن فارس «تفریط» را به معنای «تقصیر» و ضد «افراط» یعنی ضد باب افعال قلمداد نموده است (ابن فارس، ۲۰۰۸: ۳۴۸/۲). طریحی نیز در مجمع‌البحرین با عبارت «الافراط مُجاوِزةُ الحَدِّ و التفریطُ التَّقْصِيرُ عَنِ الحَدِّ» فعل مورد نظر را از نظر کاربردی ضد باب افعال دانسته است (طریحی، ۱۴۰۳: ۲۶۴/۴). دیگر لغویان از جمله صاحب بن عباد در المحيط فی اللغه (عباد، ۱۴۱۴: ۱۶۵/۹)، ازهری در تهذیب اللغه (ازهری، ۱۴۲۱: ۲۲۷/۱۳)، زمخشری در مقدمه الادب (زمخشری، ۱۳۸۶: ۱۹۶)، ابن سیده در المحکم و المحيط الاعظم

(ابن سیده، ۱۴۲۱: ۱۵۶/۹)، ابن اثیر در النهایه فی غریب الحدیث والاثیر (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۴۳۴/۵)، زبیدی در تاج العروس (زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۶۲/۱۰)، فیروزآبادی در القاموس المحیط (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۵۷۲/۲)، ابن منظور در لسان العرب (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۲۳۶/۱۰) با ابن فارس و طریحی هم نظر هستند.

شارحان نهج البلاغه از جمله شوشتری در بهج الصباغه (التستری، ۱۳۷۶: ۳۵۸/۱۲)، حسینی شیرازی در توضیح نهج البلاغه (حسینی، بی تا: ۲۷۲/۴)، لاهیجی در شرح نهج البلاغه (لاهیجی، بی تا: ۲۹۴)، خوبی در منهاج البراعه (خوبی، ۱۴۰۳: ۴۷/۲۱)، محمودی در نهج السعاده (محمودی، ۱۳۸۵: ۳۷۴/۳)، تفریط را نقطه مقابل افراط دانسته به صورت غیرمستقیم فعل مورد بحث را از نظر کاربردی «ضد باب افعال» برشمرده‌اند. علاوه بر آنچه گفته شد دو واژه «افراط» و «تفریط» در یک گزاره از نهج البلاغه در وصف انسان نادان در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند. «لایری الجاهل إلا مُفْرِطاً أو مُفْرِطاً» (حکمت / ۷۰).

(۵) تدریج «وَجَزَّعُوهُمْ المَرَارَ» (خطبه / ۱۹۲)

ترجمه: «تلخی های روزگار را جرعه جرعه در کامشان ریختند».

شاهد در عبارت یاد شده فعل «جَزَّعُوهُمْ» صیغه سوم ماضی از باب تفعیل و از ریشه «ج، ر، ع» است. لغویان از جمله طریحی در مجمع البحرین (طریحی، ۱۴۰۳: ۳۱۰/۴)، زبیدی در تاج العروس (زبیدی، ۱۴۱۴: ۶۲/۱۱)، ابن منظور در لسان العرب (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۲۵۳/۲)، فیروزآبادی در القاموس المحیط (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۱۶/۳)، حمیری در شمس العلوم (حمیری، ۱۴۲۰: ۱۰۴۴/۲)، جوهری در الصحاح (جوهری، ۱۳۷۶: ۱۱۹۵/۳)، حسن یوسف در الافصاح (صعیدی، ۱۴۱۰: ۱۰۶۳/۲) فعل مورد بحث را از نظر کاربردی مفید معنای «تدریج» دانسته‌اند. شارحان نهج البلاغه از جمله خوئی در منهاج البراعه (خوئی، ۱۴۰۳: ۳۸۸/۳)، نقوی

در مفتاح السعاده (النقوی، ۱۳۸۴: ۲۲۵/۵)، مغنیه در فی ظلال نهج البلاغه (مغنیه، ۱۴۱۲: ۱۸۶/۱)، مدرس وحید در شرح نهج البلاغه (مدرس وحید، بی تا: ۱۸۲/۳)، نواب لاهیجی در شرح نهج البلاغه (لاهیجی، بی تا: ۴۷)، سید عباس موسوی در شرح نهج البلاغه (موسوی، ۱۹۹۸: ۲۱۹/۱)، سرخسی در اعلام نهج البلاغه (سرخسی، ۱۴۱۲: ۶۴) فعل مورد بحث را از نظر کاربردی مفید معنای «تدریج» دانسته‌اند. با دقت در دیدگاه زبان‌شناسان و نیز شارحان نهج البلاغه استنباط می‌شود که فعل «جَرَعَ» در باب تفعیل مفید معنای «تدریج» است. شایان ذکر است گزاره ی «وجرعتمونی نُغَبَ التَّهْمَامِ أَنْفَاساً» از خطبه ۲۷ نهج البلاغه نیز مفید معنای «تدریج» است.

شواهد باب مفاعله و معانی کاربردی آن در نهج البلاغه

معنای غالبی و ذاتی این باب «مشارکت» است که از آن به مقابله در فعل نیز تعبیر می‌شود. معانی دیگر این باب براساس دیدگاه اندیشمندان دانش صرف «تعدیه، کثرت و تداوم، مفید معنای ثلاثی مجرد، ضد معنای ثلاثی مجرد و مفید معنای باب افعال» است. اینک سه نمونه از افعال به کار رفته از این باب در نهج البلاغه از نظر کاربردی به کاوش نهاده می‌شود.

۱) کثرت و تداوم: «فَبَالَّغَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي النَّصِيحَةِ» (خطبه/۹۵)

ترجمه: «پس آن حضرت (ص) پیوسته به خیرخواهی پرداخت.»

شاهد در گزاره‌ی مذکور فعل «بَالَّغَ» صیغه‌ی اول ماضی از باب مفاعله و از ریشه «ب، ل، غ» است. ابن منظور بلوغ را به معنای رسیدن به غایت چیزی دانسته، با عبارت «و الْمُبَالَّغَةُ: أَنْ تَبْلُغَ فِي الْأَمْرِ جُهْدَكَ» کارکرد ماده‌ی یاد شده را در باب مفاعله به معنای «کثرت و تداوم» قلمداد نموده است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ۴۸۷/۱). دیگر زبان‌شناسان از جمله صاحب ابن عبّاد در المحيط فی اللغه (عبّاد، ۱۴۱۴: ۸۸/۵)، زمخشری در مقدمه‌الادب (زمخشری، ۱۴۱۳: ۱۳۶)، طریحی در

مجمع البحرین (طریحی، ۱۴۰۳: ۷/۵)، خلیل بن احمد در کتاب العین (فراهیدی، ۱۹۷۵: ۹۶/۱)، ابن درید در جمهره اللغه (ابن درید، ۱۹۸۸: ۴۳۲/۱)، زبیدی در تاج العروس (زبیدی، ۱۴۱۴: ۸/۱۲)، ابراهیم انیس در المعجم الوسیط با عبارت «اجتهد فیه و استقصی و غالی فی الشیء» (انیس، ۱۳۸۰: ۶۹/۱)، فعل «بَالَع» را از نظر کاربردی مفید معنای «کثرت و تداوم» دانسته‌اند.

شارحان نهج البلاغه از جمله یحیی بن ابراهیم در ارشاد المؤمنین (الجحاف، ۱۴۲۲: ۲۹۳/۱)، حسینی شیرازی در توضیح نهج البلاغه (حسینی، بی تا: ۲۳۸/۲)، شرقی در قاموس نهج البلاغه (الشرقی، ۱۳۶۳: ۱۸۲/۱)، نقوی در مفتاح السعاده (النقوی، ۱۳۸۴: ۲۲۰/۵)، منتظری در درس‌هایی از نهج البلاغه (منتظری، ۱۳۹۵: ۱۴۵/۴) به صورت تلویحی فعل «بالع» را از نظر کاربردی مفید معنای «کثرت و تداوم» قلمداد نموده‌اند. بنابراین فعل «بَالَع» در گزاره‌ی فوق از نظر کاربردی مفید معنای «کثرت و تداوم» است.

۲) تعدیه: «وَاعْلَمَ أَنَّ مَا قَرَّبَكَ مِنَ اللَّهِ يُبَاعِدُكَ مِنَ النَّارِ» (نامه ۷۶)

ترجمه: «و بدان آنچه تو را به خدا نزدیک نماید از آتش دور می سازد».

شاهد در گزاره‌ی مذکور فعل «يُبَاعِدُكَ» صیغه اول مضارع از باب مفاعله و از ریشه «ب، ع، د» است. زبان‌شناسان از جمله ازهری در تهذیب اللغه (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۴۶/۲)، صاحب بن عباد در المحيط فی اللغه (عباد، ۱۴۱۴: ۴۳۲/۱)، خلیل بن احمد در کتاب العین (فراهیدی، ۱۹۷۵: ۵۳/۲)، زمخشری در مقدمه‌الادب (زمخشری، ۱۳۸۶: ۲۲۶)، ابن سیده در المحکم و المحيط (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۳۱/۲)، جوهری در الصحاح تاج اللغه (جوهری، ۱۳۷۶: ۴۴۸/۲)، زبیدی در تاج العروس (زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۵۸/۴)، فیروزآبادی در القاموس المحيط (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۳۸۵/۱)، ابن منظور در لسان العرب (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۴۴۱/۱)، فیومی در

المصباح المنیر (فیومی، ۱۴۱۴: ۵۳/۱)، فعل مورد بحث را از نظر کاربردی مفید «تعديه» قلمداد نموده، معادل «بَعَدَ» و «أَبْعَدَ» دانسته‌اند. شارحان نهج البلاغه از جمله ملافتح الله کاشانی در تنبیه الغافلین (کاشانی، ۱۳۷۸: ۵۶۶/۲)، مغنیه در فی ظلال نهج البلاغه (مغنیه، ۱۴۱۲: ۲۰۰/۴)، خوبی در منهاج البراعه (خوبی، ۱۴۰۳: ۴۶/۲۰)، شرقی در قاموس نهج البلاغه (الشرقی، ۱۳۶۳: ۳۹۵/۲)، یحیی بن ابراهیم در ارشاد المؤمنین (الجحاف، ۱۴۲۲: ۱۸۳/۲) به صورت تلویحی به کارکرد یاد شده فعل مورد بحث اشاره نموده‌اند. بنابراین فعل «یُبَاعِدُکَ» در گزاره ی مورد بحث از نظر کاربردی مفید «تعديه» است.

۳) معادل باب افعال: «من اِزْتَقَبَ الموتَ سارِعَ الی الخیرات» (حکمت/۳۱)

ترجمه: «هرکس که در انتظار مرگ باشد، در انجام کارهای نیک شتاب ورزد».

شاهد در عبارت فوق فعل «سارِعَ» صیغه اول ماضی از باب مفاعله و از ریشه «س، ر، ع» است. زبان‌شناسان از جمله طریحی در مجمع البحرین (طریحی، ۱۴۰۳: ۳۴۵/۴۱)، ازهری در تهذیب اللغه (ازهری، ۱۴۲۱: ۵۴/۲)، زمخشری در اساس البلاغه (زمخشری، ۱۴۰۲: ۲۹۳)، زبیدی در تاج العروس (زبیدی، ۱۴۱۴: ۲۰۷/۱۱)، حمیری در شمس العلوم (حمیری، ۱۴۲۰: ۳۰۶۶/۵)، ابن منظور در لسان العرب (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۲۴۱/۶)، جوهری در الصحاح تاج اللغه (جوهری، ۱۳۷۶: ۱۲۲۸/۳)، ابن سیده در المحکم و المحيط الاعظم (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۴۸۲/۱)، فیومی در المصباح المنیر (فیومی، ۱۴۱۴: ۲۷۴/۱) فعل مورد بحث را از نظر کاربردی به معنای «أَسْرَعَ» از باب افعال قلمداد نموده‌اند.

شارحان نهج البلاغه از جمله شوشتری در بهج الصباغه (التستری، ۱۳۷۶: ۳۵۰/۱۲)، ابن میثم در شرح نهج البلاغه (بحرانی، ۱۳۷۹: ۴۲۹/۵)، حسینی شیرازی در توضیح نهج البلاغه (حسینی، بی‌تا، ۲۷۰/۴)، قرشی بنایی در مفردات نهج البلاغه (قرشی، ۱۳۷۷: ۴۶۰/۱)، مغنیه در فی ظلال نهج البلاغه (مغنیه،

۱۴۱۲: ۲۳۳/۴)، خوبی در منهج البراعه (الهاشمی الخویی، ۱۴۰۳: ۳/۳۵۸)، به صورت تلویحی به معنای کاربردی فعل «سارع» اشاره نموده‌اند؛ بدین معنی که از محتوای تحلیلیشان استنباط می‌شود که آنان ماده «س، ر، ع» را در باب مفاعله مفید معنای باب افعال و معادل «أَسْرَع» می‌دانند. بنابراین فعل «سَارَع» در عبارت مورد بحث از نظر کاربردی مفید معنای «أَسْرَع» در باب افعال و معادل آن است.

نتیجه‌گیری

دگرگونی‌های صرفی که در ساختمان فعل از جمله: تبدیل از شکل مجرد به مزید و نیز صرف در ابواب مختلف در زبان عربی روی می‌دهد، موجب گسترش واژگانی و معنایی می‌گردد. نهج البلاغه به عنوان یکی از منابع کهن معرفتی، نمونه‌ی ممتاز کارکرد افعال مزید در ابواب مختلف است و با توجه به سویه‌ی بلاغی این کتاب، افعال یاد شده که از بسامد قابل توجهی در نهج البلاغه برخوردارند، نقش تعیین‌کننده‌ای در القاء معانی مطابق با مقتضای حال داشته، یکی از مؤلفه‌های بلاغت محسوب می‌شوند. رسالت این مقاله تبیین معانی کاربردی افعال مزید در نهج البلاغه بوده، پژوهشگر از رهگذر پردازش داده‌ها به نتایج زیر دست یافته است:

- ۱- افعال مزید موجود در نهج البلاغه تنها در باب‌های مشهور به کار رفته و دو باب افعال و تفعیل بیشترین کاربرد را در این کتاب داشته است.
- ۲- معانی کاربردی افعال مزید به روشنی بر ظرفیت زبان عربی در تولید واژگان جدید از مصدر واحد و توسعه معنی دلالت دارد. زیرا هر یک از ابواب مزید به منزله‌ی دری به سوی معانی جدید است.
- ۳- معانی کاربردی افعال مزید در نهج البلاغه منطبق با مقتضای حال و اهداف خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار هستند. بنابراین می‌توان از آن افعال به عنوان مؤلفه‌های بلاغت یاد نمود.

منابع

- قران کریم
- نهج البلاغه
- ابن الاثير، مجدالدين محمد بن محمد (١٩٧٩). **النهايه فى غريب الحديث و الاثر**، بيروت: المكتبه العلميه.
- ابن دريد، محمد بن الحسن (١٩٨٨). **جمهره اللغه**. بيروت: دارالعلم للملايين.
- ابن سيده، على بن اسماعيل (١٤٢١). **المحكم و المحيط**. بيروت: دار الكتب العلميه.
- ابن فارس، احمد بن زكريا (٢٠٠٨). **مقاييس اللغه**. بيروت: دار الفكر.
- ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤٠٨). **لسان العرب**. بيروت: دار احياء التراث العربى.
- ازهرى، محمد بن احمد (١٤٢١). **تهذيب اللغه**. بيروت: داراحياء التراث العربى.
- امامى، محمدجعفر؛ آشتياني، محمدرضا (١٣٧٧). **شرح نهج البلاغه**. قم: مدرسه الامام على بن ابيطالب.
- انصاريان، على (١٤٠٨). **المقتطف من بحار الانوار**، تهران: وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامى.
- انيس، ابراهيم (١٣٨٠). **المعجم الوسيط**، بى جا: مكتبه الشروق الدوليه.
- الاصفهاني، الحسين بن محمد (١٤٠٨). **المفردات فى غريب القرآن**، بيروت: داراحياء التراث العربى.
- التستري، محمد تقى (١٣٧٦). **بهج الصباغه فى شرح نهج البلاغه**، تهران: امير كبير.
- الجحاف، يحيى بن ابراهيم (١٤٢٢). **ارشاد المؤمنين الى معرفه نهج البلاغه المبين**، قم: انتشارات دليل ما.
- الحسينى، سيد جعفر (١٣٨٩). **شرح نهج البلاغه**. قم: دار الثقلين.
- الحسينى شيرازى، محمد (بى تا). **توضيح نهج البلاغه**. تهران: دارتراث الشيعه.
- الزبيدى، مرتضى (١٤١٤). **تاج العروس**. بيروت: دارالفكر.
- الشرقى، محمد على (١٣٦٣). **قاموس نهج البلاغه**. تهران: دار الكتب الاسلاميه.
- الفيومى، احمد بن محمد (١٤١٤). **المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى**. قم: دارالهجره.
- الكندرى البيهقى، قطب الدين (١٤١٦). **حدائق الحقائق**، قم، مؤسسه نهج البلاغه نشر عطار.
- المازنى التميمى، اوس بن حجر (١٩٨٠). **ديوان**، بيروت: داربيروت.

- المعتزلی، ابن ابی الحدید، ابو حامد عبدالحمید. (۱۹۶۷). **شرح نهج البلاغه**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- النقوی، محمد تقی. (۱۳۸۴). **مفتاح السعاده فی شرح نهج البلاغه**. تهران: انتشارات قائن.
- الهاشمی الخویی، میرزا حبیب. (۱۴۰۳). **منهاج البراعه**. بیروت: مؤسسه الوفاء
- بحرانی، ابن میثم کمال الدین. (۱۳۷۹). **شرح نهج البلاغه**. «مصباح السالکین». دفتر نشر کتاب.
- بحرانی، میثم بن علی. (۱۳۶۶). **اختیار مصباح السالکین**. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶). **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه**. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حمیری، نشوان بن سعید، (۱۴۲۰). **شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام**. لبنان: دارالفکر.
- خوری الشرتونی، سعید. (۱۴۱۶). **اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد**. قم: دارالاسوه.
- زرکشی، محمد بن عبدالله. (۱۳۷۶). **البرهان فی علوم القرآن**. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۳۸۶). **مقدمه الادب**. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
- ، ----- . (۱۴۰۲). **اساس البلاغه**. بیروت: دارالمعرفه.
- ، ----- . (۱۴۰۷). **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**. بیروت: دارالکتاب العربی.
- سرخسی نیشابوری، علی بن ناصر. (۱۳۷۳). **اعلام نهج البلاغه**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صعیدی، عبدالفتاح؛ موسی، حسین یوسف. (۱۴۱۰). **الافصاح فی فقه اللغة**. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- طریحی، فخرالدین. (۱۴۰۳). **مجمع البحرین**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عبّاد، اسماعیل. (۱۴۱۴). **المحیط فی اللغة**. بیروت: عالم الکتب.
- عبده، محمد. (۱۴۱۳). **شرح نهج البلاغه**. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۹۷۵). **کتاب العین**. قم: نشر هجرت.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵). **القاموس المحیط**. بیروت: دارالکتب العلمیه.

- قرشی بناپی، علی اکبر. (۱۳۷۷). مفردات نهج البلاغه. قم: مرکز فرهنگی نشر قبله.
- کاشانی، ملافتح الله. (۱۳۷۸). تنبيه الغافلین و تذکرة العارفين. قم: موسسه تبیان.
- محمودی، محمد. (۱۳۸۵). نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مدرس وحید، احمد. (بی تا). شرح نهج البلاغه. بی جا.
- مطرزی، ابوالفتح ناصرالدین. (بی تا). المغرب فی ترتیب المعرب. بیروت: دارالکتاب العربی.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۶). التمهید فی علوم القرآن. قم: موسسه التمهید.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۴۱۲). فی ظلال نهج البلاغه. بیروت: دارالعلم للملایین.
- منتظری، حسینعلی. (۱۳۹۵). درسهایی از نهج البلاغه. قم: انتشارات سرایی.
- موسوی، سید عباس. (۱۹۹۸). شرح نهج البلاغه، بی جا: دارالرسول الاکرم.
- میلانی، سید هاشم. (۱۳۸۷). شرح نهج البلاغه. قم: انتشارات دلیل ما.
- نواب لاهیجی، میرزا محمد باقر. (بی تا). شرح نهج البلاغه. تهران: انتشارات اخوان کتابچی.

Abstract

**Investigating the practical meanings of more verbs
(chapters of verbs, verbs and verbs)
in Nahj al-Balaghah**

Ali osat Khanjani*

Nahj al-balagha is second epistemological source of Islam. This excellent manuscript in addition to ideological function that is concerned with its context, because of rhetoric and aesthetic value has literature function too. This latter trait is because of presence of elements such as usage of additional verbs for creating implications correspondent by situations. This article by title “survey of practical implications of additional verbs (efaal, tafeel and mofaele) in Nahj al-balagha” is a theoretical research with an analytical-descriptive method that surveyed instances of additional verbs by use of verbal sources and interpretations of Nahj al-balagha on practical implications of additional verbs. Researcher by analyzing data concluded: first: additional verbs in Nahj al-balagha have the most implications and efaal and tafeel are used predominantly. Second: practical implications of additional verbs implies capacity of Arabic language in making new words from one source and development of realm of implications. Third, practical implications of additional verbs are accord with conditions and aims of sermons, letters and aphorism

Keywords: Nahj al-balagha, additional words, practical implications, situation

* Assistant Professor of Islamic Education, Islamic Azad University, Chalous Branch

khanjani@iauc.ac.ir